

بنام گوینده دانا

ستایش پاک یزدان را سزاوار که از روشنی آفتاب بخشش جهانرا روشن نمود * از با بحر أعظم هویدا * و از ها هوپّه بخته * اوست توانائیکه توانائی مردم روزگار او را از خواست خود باز ندارد * و لشگرهای پادشاهان از گفتارش منع ننماید * نامهات رسید دیدیم * و ندایترا شنیدیم * در نامه لآلئ محبت مکنون و اسرار مودت مخزون * از داور بیهمال میطلبیم ترا تأیید فرماید بر نصرت امرش * و توفیق بخشد تا تشنگان دشت نادانی را به آب زندگانی برسانی * اوست بر هر امری قادر و توانا * آنچه از دریای دانائی و خورشید بینائی سؤال نمودی باجابت مقرون *

❖ پرسش نخستین ❖ نخست پرستش یکتای یزدانرا بچه زبان و رو بکدام سو بنمائیم شایسته است * آغاز گفتار پرستش پروردگار است * و این پس از شناسائیت * چشم پاک باید تابشناسد * و زبان پاک باید تا بستاید * امروز روهای اهل دانش و بینش سوی اوست * بلکه سویها را

جمله رو بر سوی او * شیر مرد از خداوند میخواهیم مرد میدان باشی * و بتوانائی یزدان بر خیزی و بگوئی * ای دستوران گوش از برای شنیدن راز بی نیاز آمده و چشم از برای دیدار چرا گریزانید * دوست یکتا پدیدار * میگوید آنچه را که رستگاری در آنست * ای دستوران اگر بوی گلزار دانائی را بیابید جز او نخواهید * و دانای یکتا را در جامه تازه بشناسید * و از گیتی و گیتی خواهان چشم بردارید و بیاری بر خیزید *

﴿ پرسش دوم ﴾ در کیش و آیین بوده * امروز کیش یزدان پدیدار * جهاندار آمد و راه نمود * کیشش نیکوکاری * و آیینش بردباری * این کیش زنده گی پاینده بخشد * و این آیین مردمانرا بجهان بی نیازی رساند * این کیش و آیین دارای کیشها و آیینهاست * بگریید و بدارید *

﴿ پرسش سوم ﴾ با مردم روزگار که جدا جدا کیشی گرفته اند و هر یک کیش و آیین خویشرا پیشتر و بهتر از دیگری دانند چگونه رفتار نمائیم که از دست و زبان ایشان در رنج و آزار نباشیم * ای شیر مردمان رنجرا در راه حضرت یزدان راحت دان * هر دردی در راه او درمانیست بزرگ * و هر

تلخی شیرین * و هر پستی بلند * اگر مردمان بیابند و بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند این رنج مفتاح گنج است اگر در ظاهر منکر است در باطن پسندیده بوده و هست * گفتار ترا پذیرفتیم * و تصدیق نمودیم چه که مردمان روزگار از روشنائی آفتاب داد محرومند * داد را دشمن میدارند * اگر بی رنجی طلبی این بیان که از قلم رحمن جاری شده قراءت نما * إلهی إلهی أشهد بفردانیتک و وحدانیتک أسألك يا مالک الأسماء و فاطر السماء بنفوذ کلمتک العلیا و إقتدار قلمک الأعلى أن تنصرنی برایات قدرتک و قوتک و تحفظنی من شرّ أعدائک الذین نقضوا عهدک و میثاقک إنک أنت المقتدر القدير * این ذکر حصنی است متین و لشگریست مبین حفظ نماید و نجات بخشد *

﴿ پرسش چهارم ﴾ در نامهای ما مژده داده‌اند شاه بهرام با نشانه‌های زیاد از برای رهنمائی مردمان می‌آید الی آخر بیانه * ای دوست آنچه در نامها مژده داده‌اند ظاهر و هویدا گشت * نشانه‌ها از هر شطری نمودار * امروز یزدان ندا مینماید و کلّ را بمینوی اعظم بشارت میدهد * گیتی بانوار ظهورش منور و لکن چشم کم یاب * از یکتا خداوند بیمانند بخواه بندگان

خود را بینائی بخشد * بینائی سبب دانائی و علت نجات بوده و هست *
دانائی خرد از بینائی بصر است * اگر مردمان بچشم خود بنگرند امروز
جهانرا بروشنائی تازه روشن بینند * بگو خورشید دانائی هویدا * و آفتاب
بینش پدیدار * بختیار آنکه رسید و دید و شناخت *

❖ پرسش پنجم ❖ از پل صراط و بهشت و دوزخ بوده * پیمبران
براستی آمده‌اند و راست گفته‌اند آنچه را پیک یزدان خبر داده پدیدار شده
و میشود * عالم بمجازات و مکافات برپا * بهشت و دوزخ را خرد و دانائی
تصدیق نموده و مینماید چه که وجود این دو از برای آن دو لازم * در مقام
أول و رتبه اولی بهشت رضای حق است * هر نفسی رضای او فائز شد او
از اهل جنت علیا مذکور و محسوب * و بعد از عروج روح فائز میشود
بآنچه که آمه و خامه از ذکرش عاجز است * صراط و میزان و همچنین
جنت و نار و آنچه در کتب الهی مذکور و مسطور است نزد اصحاب
بصر و مردمان منظر اکبر معلوم و مشهود است * حین ظهور و بروز انوار
خورشید معانی کل در یکمقام واقف و حق نطق میفرماید بآنچه اراده
میفرماید * هریک از مردمان که بشنیدن آن فائز شد و قبول نمود او از اهل

جنت مذکور * و همچنین از صراط و میزان و آنچه در روز رستخیز ذکر نموده‌اند گذشته و رسیده * و یوم ظهور یوم رستخیز اکبراست * امید هست که آنجناب از رحیق وحی الهی و سلسبیل عنایت ربّانی بمقام مکاشفه و شهود فائز شوند و آنچه ذکر نموده‌اند ظاهرا و باطنا مشاهده نمایند *

﴿ پرسش ششم ﴾ پس از هشتن تن که روان از تن جدا شده بآن سرا شتابد الی آخر * در اینمقام چندی قبل از خامه دانش ظاهر شد آنچه که بنیایان را کفایت نماید و اهل دانش را فرح اکبر بخشد * براستی میگوئیم روان از کردار پسندیده خوشنود میشود * و داد و دهش در راه خدا باو میرسد *

﴿ پرسش هفتم ﴾ از نام و نژاد و نیاکان پاک نهاد بوده * ابوالفضل گلپایگانی علیه بهائی در این باب از نامهای آسمانی نوشته آنچه که آگاهی بخشد و بر بینائی بیفزاید آیین یزدان با قوّت و نیرو بوده و هست زود است آنچه از زبان گفته شد در ظاهر دیده شود * از خداوند میخواهیم ترا بر یاری نیرو بخشد * اوست دانا و توانا * اگر آنجناب سوره رئیس و سور

ملوک را بیابد و بخواند از آنچه سؤال نموده بی نیاز گردد و بخدمت امر الهی
قیام نماید قیامیکه ظلم عالم و قوت امم او را از نصرت مالک قدم منع نکند
از حقّ میطلبیم شما را تأیید فرماید بر آنچه سبب بلندی و بقای نام است *
جهد نمائید شاید بسور مذکور هم برسید و از لآلئ حکمت و بیان که از
خزینه قلم رحمن ظاهر شده قسمت برید و نصیب بردارید * البهاء علیک و
علی کلّ ثابت مستقیم و راسخ امین *